

گزارش ویژه در مورد وضعیت اعدام ها در ایران به مناسبت
دهم اکتبر؛ روز جهانی مبارزه برای لغو حکم اعدام

۱۴۰۳



Iranska Föreningen Mot Avrättningar

انجمن ایرانیان علیه اعدام

استکهلم - سوئد

Org.nr. 802543-5903

فهرست

۱	۱. مقدمه
۱	۲. اهمیت موضوع
۱	۳. هدف گزارش
۳	۴. چالشهای گزارش دهی
۴	۵. روش شناسی و منابع
۴	۶. محتوای گزارش
۴	۶-۱. تعداد کل اعدامها
۴	۶-۲. دلایل اعدامها
۵	۶-۳. اعدامهای سیاسی
۶	۶-۴. توزیع جغرافیایی اعدامها
۷	۶-۵. صدور و تأیید احکام اعدام
۸	۶-۶. اعدامهای دستهجمعی در پروندههای مشترک
۸	۶-۷. صدور و اجرای حکم اعدام برای افراد آسیب دیده جسمی و روانی
۹	۷. تحلیل ویژگیهای جمعیتی اعدامها
۹	۷-۱. جنسیت و سن
۹	۷-۲. اعدام کودکان-مجرمان
۱۰	۷-۳. اعدام اتباع خارجی
۱۱	۷-۴. وضعیت اجتماعی و خانوادگی قربانیان اعدام
۱۲	۸. نتیجه گیری

گزارش ویژه از وضعیت اعدام ها در ایران

به مناسبت روز جهانی مبارزه برای لغو حکم اعدام

تاریخ انتشار: دهم اکتبر ۲۰۲۲ - ۱۹ مهرماه ۱۴۰۳

Website: www.ifmavoice.com

Email: info@ifmavoice.com

۱. مقدمه

به مناسبت دهم اکتبر، روز جهانی مبارزه برای لغو حکم اعدام، این گزارش به بررسی وضعیت اعدام‌ها در ایران از اول فروردین تا ۱۵ مهر سال ۱۴۰۳ می‌پردازد. کیفر سلب حیات یا اعدام در ایران نه تنها یکی از شدیدترین مجازات‌ها است، بلکه به عنوان ابزاری برای کنترل سیاسی و سرکوب مخالفان حکومت جمهوری اسلامی ایران نیز، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این احکام تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه و خانواده‌های قربانیان بر جای می‌گذارد و فضای عمومی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در طول بازه زمانی مورد بررسی، آمار اعدام‌ها و تعداد صدور و تایید حکم اعدام‌ها، نشان‌دهنده روند هشداردهنده‌ای از افزایش تعداد این مجازات‌ها در سال جاری است، که بخش عمده آن‌ها به جرائم مرتبط با مواد مخدر، قتل، و امنیت ملی نسبت داده شده‌اند.

این گزارش با تحلیل آمارها و توزیع جغرافیایی اعدام‌ها تلاش می‌کند تصویری روشن از وضعیت فعلی اعدام‌ها ارائه دهد و چالش‌های جدی موجود در سیستم قضایی ایران را بررسی کند. هدف اصلی این گزارش جلب توجه جامعه جهانی و نهادهای بین‌المللی به نقض حقوق بشر و استفاده از اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب است.

۲. اهمیت موضوع

یکی از مشکلات اساسی در سیستم قضایی ایران، استفاده ابزاری و گسترش بی‌رویه فقه سنتی اسلامی در سیستم قضایی ایران است. برای مثال می‌توان به مفاهیمی مانند "محاربه" و "بغی" در تعریف جرایم و یا "قسامه" و "علم قاضی" در اثبات جرایم اشاره کرد. در حالی که این مفاهیم در فقه اسلامی تعریف مشخصی دارند، سیستم قضایی ایران از آن‌ها برای محکومیت افرادی استفاده می‌کند؛ که جرایم بسیاری از آن‌ها به هیچ وجه با این تعاریف همخوانی ندارد. بنابراین صدور حکم و اجرای آن می‌تواند بر اساس منافع اشخاص و حکومت عمل می‌کند و نه بر اساس عدالت. از اینرو می‌توان ادعا کرد سیستم قضایی ایران به جای حفظ و دفاع از حقوق انسانی به "جرم تراشی" روی آورده است که، نه تنها بر عدم تناسب کیفر و جرم دلالت دارد، بلکه تبدیل به ابزار سرکوب به ویژه برای سرکوب مخالفان سیاسی و اجتماعی شده است و حقوق اولیه انسانی را زیر پا می‌گذارد.

علاوه بر این، استفاده از رویه‌های فقهی در سیستم قضایی ایران، در برخی موارد بسیار دور از اتفاق نظر سیستم‌های حقوقی دنیا و در تضاد آشکار با اصول حقوق بشر بین‌المللی عمل می‌کند. برای مثال، ایران همچنان برای افراد زیر سن قانونی، کودکان، حکم اعدام صادر می‌کند، در حالی که این

عمل طبق "کنوانسیون حقوق کودک" و بسیاری از معاهدات بین‌المللی ممنوع است. همچنین، در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان، سرقت مسلحانه از فهرست جرایم منجر به اعدام خارج شده است؛ ایران همچنان این نوع جرم را "محاربه" شناخته و در دسته جرایم مستحق اعدام قرار می‌دهد؛ که این نشان‌دهنده فاصله ایران از استانداردهای جهانی عدالت کیفری است.

از سوی دیگر، استفاده از حقوق کیفری عوامانه و سنتی در ایران، مانند "قصاص"، سبب می‌شود که خشم و احساسات بر رویکردی انسانی و کارشناسانه غالب آید و دشمن‌پنداری مجرم و انتقام‌جویی چرخه‌ی بی‌ثباتی و افزایش خشونت در جامعه را افزایش دهد.

بنابراین، قوانین حقوقی در ایران نه بر اساس قوانین مدنی مدرن، بلکه بر اساس سلیقه‌های سیاسی و حکومتی تعیین می‌شود و این امر چالش بزرگی برای رعایت حقوق بشر و عدالت اجتماعی ایجاد می‌کند.

۳. هدف گزارش

هدف این گزارش، مستندسازی اعدام‌های انجام شده در ایران از اول فروردین تا ۱۵ مهر سال جاری است، تا نشان دهد که استفاده از مفاهیم حقوقی سنتی در تعریف جرایم و مجازات در ایران، چگونه مرزهای حقوق و کرامت انسانی و دادرسانی عادلانه را به پرتگاه نقض عدالت کشانده، و سبب شده سیستم قضایی ایران از یک سو به عنوان ابزار سرکوب مردم، و از سوی دیگر به عنوان مشوق تمایلات غیر منطقی و احساسی مردم برای اجرای کیفر سلب حیات عمل کند.

این گزارش تلاش دارد تا با ارائه آمار و تحلیل‌های دقیق، توجه جامعه بین‌المللی و سازمانهای حقوق بشری را به نقض حقوق بشر و ناعادلانه بودن سیستم قضایی ایران جلب کند. برای جلوگیری از سوءاستفاده حکومت ایران از قوانین حقوقی به نفع خود، گرچه مجموعه‌ای از اقدامات از جمله فشارهای داخلی و بین‌المللی، مستندسازی نقض حقوق بشر، تقویت نهادهای مدنی و قضایی مستقل، و حمایت از جنبش‌های حقوق بشری مورد نیاز است؛ اما تغییرات عمیق نیاز به هماهنگی این عوامل دارد و بدون پشتیبانی اجتماعی و بین‌المللی، چالش‌های زیادی باقی خواهد ماند.

امید است این گزارش به افزایش آگاهی عمومی، تقویت جنبش‌های داخلی و بین‌المللی علیه اعدام‌ها و فشار بر حکومت ایران برای عدم استفاده از این مجازات منجر شود.

۴. چالش‌های گزارش‌دهی

در جمع‌آوری اطلاعات و آمار اعدام‌ها در ایران، چالش‌های متعددی وجود دارد. از جمله این مشکلات، عدم شفافیت نهادهای دولتی، محدودیت‌های رسانه‌ای، و سخت‌گیری‌های حکومتی بر سازمان‌های حقوق بشری مستقل است. این موانع سبب می‌شود که برخی از اطلاعات یا به‌طور کامل در دسترس نباشد یا ناقص و تحریف‌شده منتشر شود. با این حال، این گزارش با استفاده از منابع معتبر تلاش کرده تا تصویری مستند و روشن از وضعیت اعدام‌ها ارائه دهد؛ اما با توجه به محدودیت‌های موجود در دسترسی به اطلاعات کامل، اذعان می‌دارد که آمارهای ارائه‌شده ممکن است کمتر از ارقام واقعی باشد. در صورت دسترسی به اطلاعات جدید یا تکمیل داده‌ها، گزارش‌های اصلاحی و تکمیلی ارائه خواهد شد.

۵. روش شناسی و منابع گزارش

این گزارش بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده از منابع معتبر و گوناگون، شامل سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی و داخلی، رسانه‌های مستقل، و گزارش‌های ماهانه رسمی انجمن ایرانی علیه اعدام تهیه شده است. منابع اصلی این گزارش شامل موارد زیر است:

- گزارش‌های ماهانه ی انجمن: داده‌های مرتبط با اعدام‌ها، به‌ویژه در بازه‌های زمانی مختلف، از گزارش‌های ماهانه انجمن به دست آمده است که به تحلیل دقیق‌تری از وضعیت اعدام‌ها کمک کرده است.

- سازمان حقوق بشر ایران و عفو بین‌الملل: این سازمان‌ها گزارش‌های جامعی درباره وضعیت اعدام‌ها و نقض حقوق بشر در ایران ارائه داده‌اند.

رسانه‌های داخلی و دولتی ایران: مانند رکنا، میزان، و همشهری، که در بعضی موارد اطلاعات رسمی درباره احکام صادره و اجرا شده ارائه داده‌اند.

- سازمان‌های مستقل و حقوق بشری داخلی: مانند هرانا، هنگاو، حالوش، و کوردپا، که اطلاعات دقیق‌تری از وضعیت اعدام‌ها در استان‌ها و مناطق مختلف ایران منتشر کرده‌اند.

این منابع کمک کرده‌اند تا گزارشی مستند و جامع درباره وضعیت اعدام‌ها در ایران تهیه شود.

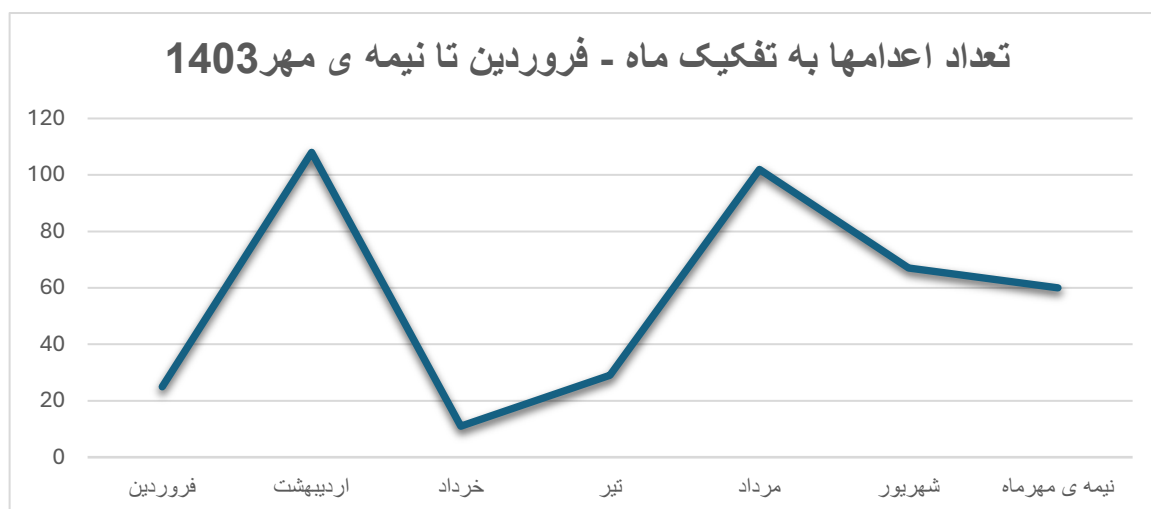
۶. محتوای گزارش: بررسی اعدام‌ها در ایران از فروردین تا ۱۵ مهر ۱۴۰۳

در این بخش، به بررسی تعداد اعدام‌های انجام‌شده در ایران طی بازه زمانی مورد نظر، دلایل قضایی و اتهامات ذکر شده برای این اعدام‌ها، توزیع جغرافیایی آن‌ها در استان‌ها و زندان‌های مختلف، اعدام‌های سیاسی، صدور و تأیید احکام اعدام برای زندانیان سیاسی و غیرسیاسی، و اجرای احکام اعدام برای افراد آسیب‌دیده جسمی و روانی و اعدام‌های دسته‌جمعی خواهیم پرداخت.

این گزارش همچنین به تأثیرات انسانی و اجتماعی این اعدام‌ها، به‌ویژه بر خانواده‌های قربانیان، و چالش‌های پیش‌روی سازمان‌های حقوق بشری در ثبت و گزارش‌دهی این موارد خواهد پرداخت.

۶-۱. تعداد کل اعدام‌ها

بر اساس آمار جمع‌آوری شده از اول فروردین ماه تا ۱۵ مهر ماه سال ۱۴۰۳، دستکم ۴۰۲ نفر در ایران بر اثر اجرای احکام اعدام، جان خود را از دست داده‌اند. این آمار در حالی گزارش شده است که بر اساس گزارش‌های سازمان حقوق بشر ایران و عفو بین‌الملل، بسیاری از اعدام‌ها توسط منابع رسمی ایران اعلام نمی‌شود و به دلیل محدودیت شدید دسترسی به اطلاعات، بخشی از این اعدام‌ها در گزارش‌های فعالان و سازمان‌های حقوق بشری قرار نمی‌گیرد.



بر اساس اطلاعات جمع آوری شده بیشترین میزان اعدامها به ترتیب در اردیبهشت ماه ، ۱۰۸ مورد اعدام ثبت شده ، و مرداد ماه ، ۱۰۲ مورد اعدام ثبت شده، بوده است. کمترین میزان مربوط به خرداد ماه است که ۱۱ اعدام در این ماه گزارش شده است. به نظر می رسد کاهش چشمگیر اعدامها در خرداد ماه ، مربوط به حوادث سیاسی ایران باشد. سقوط بالگرد ابراهیم رییسی و کشته شدن او و انتخابات ریاست جمهوری زود هنگام، تمرکز دولت و دستگاه قضایی را بر روی مسائل انتخاباتی و کاهش تنش های اجتماعی افزایش داده و سبب شد که ، تعداد اعدامها به طور موقت کاهش یابند.

بررسی آمار اعدامها در مهرماه ۱۴۰۳ نشان می دهد که تنها در نیمه اول این ماه، دستکم ۶۰ نفر اعدام شده اند. این عدد در حدود دو برابر تعداد اعدام های تیرماه است که ۲۹ نفر در آن اعدام شدند. چنین افزایشی در تعداد اعدامها می تواند به چندین عامل مرتبط باشد:

تشدید فشارهای سیاسی و اجتماعی

با توجه به شرایط سیاسی و امنیتی کشور، احتمالاً این افزایش در پاسخ به فشارها و ناآرامی های داخلی و بین المللی صورت گرفته است. حکومت ایران در ماه های حساس سیاسی ، گاهی از اعدام به عنوان ابزاری برای ایجاد ترس و سرکوب مخالفان استفاده می کند.

اجرای سریع تر احکام قضایی

مهرماه معمولاً پس از تعطیلات تابستانی، دوره ای است که ممکن است ، حکومت به تسریع در اجرای احکام قضایی بپردازد. این ممکن است، دلیل افزایش ناگهانی اعدامها در مقایسه با ماه های قبل باشد.

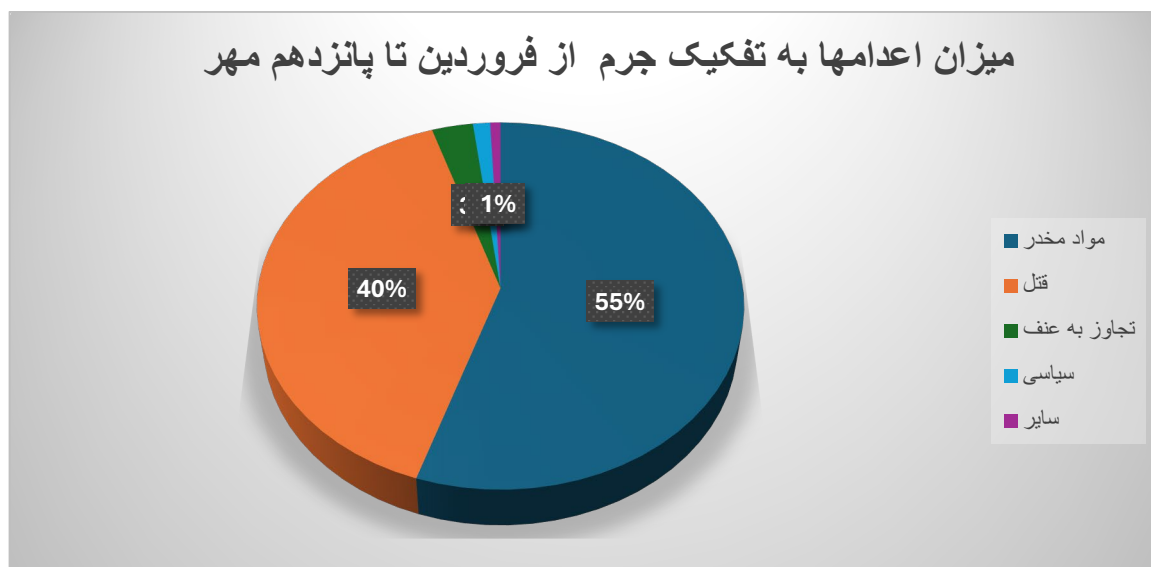
۶-۲. دلایل اعدامها

بر اساس آمار جمع آوری شده، اعدامها در ایران به دلایل متنوعی انجام گرفته است. جرایمی مانند مواد مخدر، قتل عمد، تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، و جرائم سیاسی از جمله دلایل اصلی صدور احکام اعدام در این دوره زمانی بوده اند.

فروردين	مواد مخدر	قتل عمد	تجاوز به عنف	سرقت مسلحانه	سياسي
۱۵	۹	۱	-	-	-
۷۰	۳۶	-	-	-	۲
۷	۳	۱	-	-	-
۱۴	۱۴	۱	-	-	-
۵۹	۳۷	۴	-	-	۲
۳۴	۳۳	-	-	-	-
۲۲	۳۰	۵	۲	-	-
۲۲۱	۱۶۱	۱۲	۲	۴	

جرائم سياسي عمدتاً از سوي قوه قضاييه به عنوان "مخاربه"، "اقدام عليه امنيت ملي"، و "فساد في الارض" اعلام مي‌شوند كه در واقع اتهاماتي سنگين به منظور سركوب مخالفان سياسي هستند.

بيشترين ميزان اعدامها مربوط به جرايم مربوط به مواد مخدر بوده است كه در حدود ۵۵٪ از كل اعدامها را در بر داشته است. پس از آن ۴۰٪ از قربانيان اعدام شامل قصاص شده اند. اعدامهاي مربوط به تجاوز به عنف كه در آن قرباني تجاوز جان خود را از دست نداده است حدود ۳٪ از كل اعدامها را تشكيل مي دهد.



*موارد خاص و مبهم

در روز سه‌شنبه دهم مهرماه، فردي به نام عبدال حبيبي در زندان كهنوج اعدام شده است. با اين حال، اطلاعات دقيقی درباره نوع جرم وي منتشر نشده است و مشخص نيست كه او به چه دليلي (غير سياسي) اعدام شده است. اين ابهام نشان‌دهنده عدم شفافيت در ارائه اطلاعات از سوي دستگاه قضايي ايران است. نبود شفافيت در پرونده‌هاي اعدام، به‌ويژه در موارد غيرسياسي، نگراني‌هاي جدی درباره حقوق بشر و اجراي عدالت را به همراه دارد.

مواردی از این دست که اطلاعات مربوط به جرم و دلایل اعدام‌ها به‌طور کامل منتشر نمی‌شوند، نشان می‌دهد که روند اجرای احکام قضایی در ایران با عدم شفافیت و نقض اصول حقوق بشری همراه است. چنین روندهایی می‌تواند به سوءاستفاده از احکام قضایی و استفاده ابزاری از اعدام‌ها به‌عنوان ابزار سرکوب منجر شود.

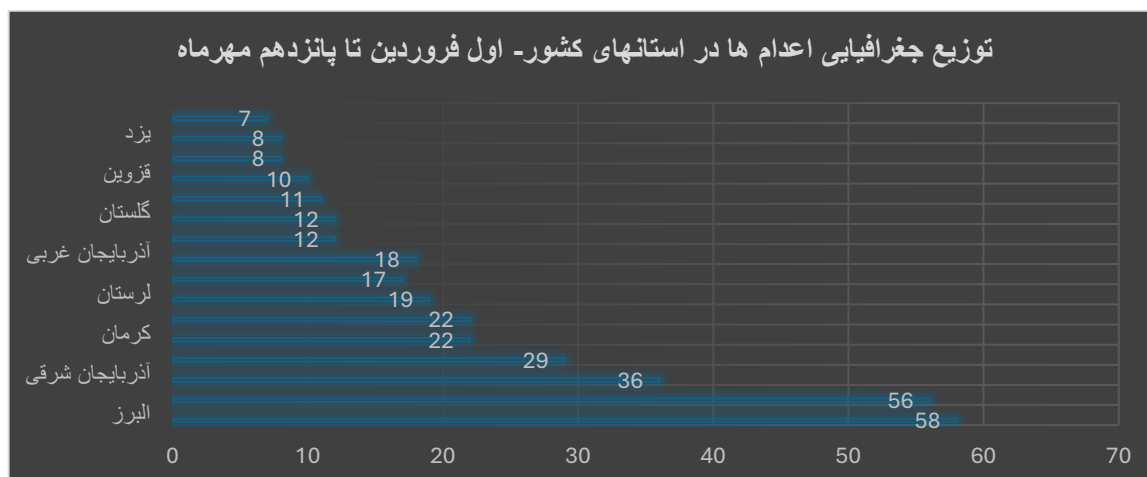
۳-۶. اعدام‌های سیاسی

ایران از اول فروردین تا نیمه ی مهرماه ۱۴۰۳، شاهد اعدام‌هایی بر پایه اتهامات سیاسی و امنیتی بوده است. در حالیکه دادگاه انقلاب تهران هفت نفر را- انور خضری، ایوب کریمی، داود عبداللہی، فرهاد سلیمی، قاسم آبسته، کامران شیخه و خسرو بشارت - در یک پرونده مشترک به اتهام عضویت در یک "گروه سلفی" و مشارکت در قتل امام جماعت مسجد خلفای راشدین مهاباد به اعدام محکوم کرده بود، سه نفر از آنان را - خسرو بشارت ، انور خضری و کامران شیخه - را به ترتیب در تاریخ ۱۲ و ۲۶ اردیبهشت و ۵ مرداد اعدام کرد. سازمان عفو بین الملل و سایر نهادهای حقوق بشری بر این باورند که روند محاکمه این افراد فاقد شفافیت بوده و به عنوان نمونه‌ای دیگر از اعدام‌های دسته‌جمعی مخالفان سیاسی حکومت جمهوری اسلامی ایران است.

در ۱۶ مرداد ماه همچنین ، حکم اعدام "غلامرضا رسائی" اجرا شد، در حالی که او اتهامات مربوط به قتل یک نیروی اطلاعات سپاه در جریان مراسم بزرگداشت سالروز درگذشت خلیل عالی‌نژاد (از رهبران جامعه یارسان) در آبان ۱۴۰۱ در شهرستان صحنه، که به خشونت کشیده شد، را نپذیرفت و ابهامات بسیاری در این پرونده وجود داشت.

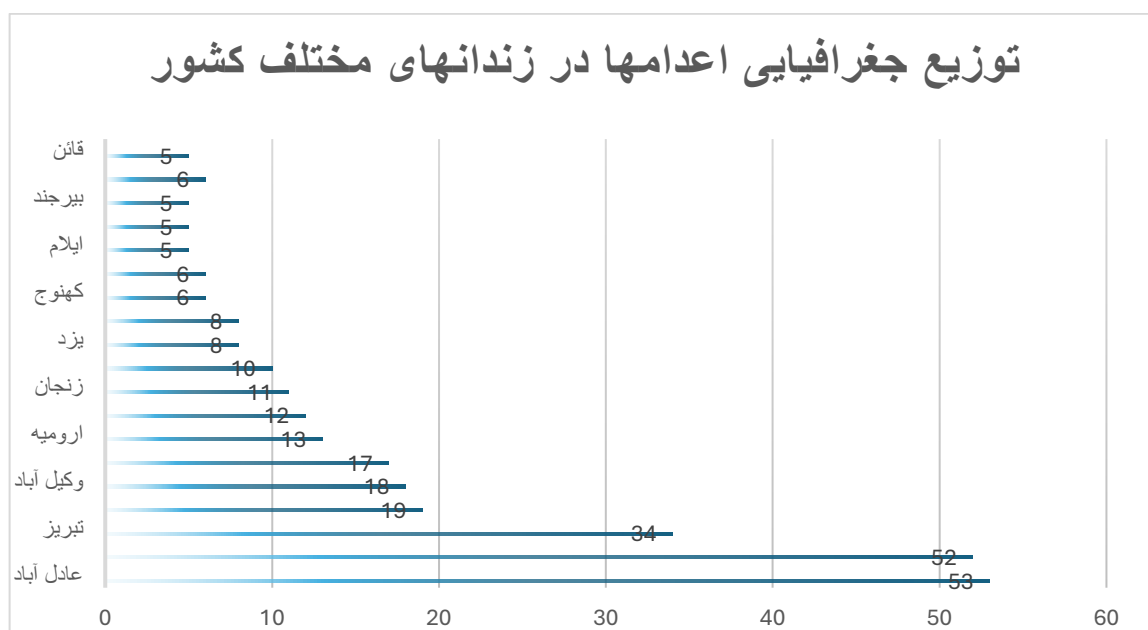
۴-۶. توزیع جغرافیایی اعدام‌ها

در این بخش، به بررسی توزیع جغرافیایی اعدام‌ها در استان‌های مختلف ایران پرداخته خواهد شد. تحلیل این آمار نشان می‌دهد که برخی مناطق، بیشتر از سایر مناطق شاهد اجرای احکام اعدام بوده‌اند. این توزیع ممکن است به عواملی مانند شرایط اجتماعی و اقتصادی، سیاست‌های دولتی، یا نوع جرایم رخ داده در هر منطقه مرتبط باشد.



آمار ارائه شده نشان می دهد که اعدامها در ۳۰ استان کشور از مجموع ۳۱ استان کشور انجام گرفته است و تنها در استان خراسان شمالی اعدامی ثبت نشده است. استان البرز با تعداد ۵۸ اعدام (۱۴/۵٪ از کل اعدامها) بیشترین تعداد اعدامها را داشته است. پس از آن به ترتیب استانهای فارس با تعداد ۵۶ (۱۴٪ از کل اعدامها) و آذربایجان شرقی با ۳۶ مورد (۹٪ از کل اعدامها) قرار دارند. به نظر می رسد که این دو استان به دلیل جمعیت بالای خود و موقعیت جغرافیایی می توانند جزو استانهایی باشند که بیشتر در معرض اجرای احکام قضایی سنگین هستند.

همچنین داده نشان می دهد که احکام اعدام در ۶۰ زندان مختلف کشور انجام شده است.



زندان عادل آباد در استان فارس با اجرای ۵۳ حکم اعدام، بیشترین رقم اجرای احکام را داشته است و پس از آن زندان قزلحصار در استان البرز با اجرای ۵۲ حکم، زندان تبریز در استان آذربایجان شرقی با اجرای ۳۴ حکم، زندان دستگرد اصفهان در استان اصفهان با اجرای ۱۹ حکم و زندان وکیل آباد در استان خراسان رضوی با اجرای ۱۸ حکم قرار گرفته اند. اجرای احکام اعدام در بقیه ی زندانهای کشور بین یک تا ۱۲ مورد ثبت شده، متغیر است.

لازم به ذکر است که بر طبق گزارشات ارائه شده، در تاریخ ۳۱ فروردین فردی در یکی از زندانهای استان گیلان به اتهام قتل به دار آویخته شده است. نام و هویت فرد مشخص نیست و تاکنون شناسایی نشده است. همچنین به گزارش نهادهای دولتی ایران فردی به جرم قتل فرزند یکی از اعضا سابق شورای شهر گلستان در تاریخ ۵ اردیبهشت بدون نام بردن از استان و یا زندان محل اعدام، قصاص شده است (هرانا: ۴مهرماه ۱۴۰۳)

۵-۶. صدور و تأیید احکام اعدام

در بررسی‌های صورت گرفته از احکام اعدام در بازه زمانی مورد مطالعه، مشخص است که بخش عمده‌ای از احکام اعدام توسط قوه قضاییه ایران صادر شده و در مواردی توسط دیوان عالی کشور تأیید نهایی شده است. هر چند برخی از این احکام نیز تحت فشار افکار عمومی و سازمانهای بین المللی و حقوق بشری لغو شده اند. در ذیل به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

بر اساس گزارشهای منتشر شده، حداقل ۸۴ حکم اعدام از سوی دادگاههای قوه قضاییه صادر شده است که از این میان ۳۱ مورد تأیید شده است. به گزارش هرانا " مالک علی فدایی نسب، فرهاد شاکری، عیسی عیدمحمدی، عبدالحکیم عظیم گرگیج، عبدالرحمن گرگیج و تاج محمد خرمالی زندانیان سیاسی هستند که به اتهام بغی از طریق عضویت در گروه سلفی حزب الفرقان و عضویت در جبهه همبستگی ملی اهل سنت در مرداد ماه به اعدام محکوم شدند و حکم اعدام آنان در دیوان عالی کشور تأیید شده است". (هرانا: مرداد ۱۴۰۳)

شریفه محمدی نیز از سوی دادگاه رشت به اتهام "بغی" از طریق تبلیغ علیه نظام، اقدام علیه امنیتی ملی و عضویت در یکی از گروه های اپوزیسیون، در تیرماه به اعدام محکوم شد. همچنین خانم پخشان عزیزی دوم مرداد ماه تهران، به اتهام "بغی" به اعدام محکوم شده است.

در شهریور ماه، حکم اعدام آقای حاتم اوزدمیر به اتهام "بغی" تأیید شد و احکام اعدام بهروز احسانی و مهدی حسنی، زندانیان سیاسی، به اتهام بغی، محاربه، فساد فی الارض و عضویت در سازمان مجاهدین خلق صادر شده است. اتهام بغی که در سالهای اخیر به طور گسترده علیه زندانیان سیاسی و مدنی توسط قوه قضاییه جمهوری اسلامی به کار می‌رود، جان بسیاری از این زندانیان را در معرض خطر اعدام قرار داده است.

۶-۶. اعدام‌های دسته‌جمعی در پرونده‌های مشترک

اعدام‌های دسته جمعی در ایران پدیده‌ی تازه‌ای نیست؛ و جمهوری اسلامی در طی سالها این دسته از اعدامها را چه در زمینه‌ی اتهامات امنیتی و سیاسی و چه جرائم غیر سیاسی به کار برده است. بررسی‌ها نشان از تکرار این فاجعه در بازه‌ی زمانی مورد مطالعه دارد. در یک نزاع خیابانی که منجر به کشته شدن یک نفر شد، شش نفر محکوم به اعدام شدند و پنج نفر از آنها در ۲۳ اردیبهشت اعدام شدند. نفر ششم قاسم صالحی توانست با پرداخت دیه‌ای به مبلغ ۵ میلیارد تومان، رضایت اولیای دم را جلب کرده و از مجازات اعدام رهایی یابد.

اعدام‌های دسته‌جمعی نه تنها نشان‌دهنده بی‌عدالتی در برخورد با افراد است، بلکه ضعف قانون در اجرای درست عدالت را نیز آشکار می‌کند. موضوع پرداخت دیه و تفاوت در سرنوشت متهمین نیز به مسائل عمیق‌تری از جمله عدالت اقتصادی و تبعیض مالی اشاره دارد، که نشان می‌دهد افراد با دسترسی مالی بهتر می‌توانند نتایج قضایی بهتری کسب کنند.

۷-۶. صدور و اجرای حکم اعدام برای افراد آسیب دیده جسمی و روانی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعدادی از قربانیان نه تنها متعلق به بخش، به حاشیه رانده شده‌ی جامعه اند؛ بلکه عملاً آسیب پذیر و فاقد کمک های توانبخشی و مراقبتی بوده اند. در میان اعدام شدگان خانم

پروین موسوی ۵۳ ساله که به بیماری سرطان مبتلا بوده؛ در پرونده ای در خصوص حمل و فروش مواد مخدر در ۲۹ اردیبهشت در زندان ارومیه اعدام می شود.

راشد بلوچی ۳۵ ساله در ۹ اردیبهشت در زندان بندرعباس به جرم قتل ، اعدام شد در حالیکه او به گزارش هنگاو دارای بیماری روانی و کارت قرمز پزشکی بوده است.

راضیه، مادری که به خاطر چالش های فراوان اقتصادی و اجتماعی، به اتهام کشتن دو فرزند خود در ۲۷ اردیبهشت در زندان وکیل آباد اعدام شد نمونه ای دیگری از این دست است. رسانه های دولتی خبر اعدام او را با آب و تاب پوشش دادند و او را به عنوان یک مادر سنگدل و بی رحم معرفی کردند، این در حالی است که چنین تصویرسازی هایی بر توجه به عمق بحران اجتماعی و نقش آن در این فاجعه سایه می افکند. این گونه نمایش رسانه ای نه تنها به نادیده گرفتن ریشه های مشکلاتی که منجر به این وقایع می شود کمک می کند، بلکه بر فقدان حمایت های اجتماعی و روانی لازم برای کمک به افراد در شرایط مشابه تأکید می نماید.

۷. تحلیل ویژگی های جمعیتی اعدام ها

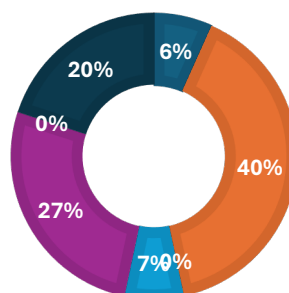
در این بخش، به تحلیل ویژگی های جمعیتی افرادی که در بازه زمانی مورد بررسی اعدام شده اند، پرداخته خواهد شد. این ویژگی ها شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل و فرزندان، و همچنین تابعیت افراد می باشد. تحلیل این داده ها به فهم بهتر تأثیرات اجتماعی و خانوادگی اعدام ها در ایران کمک می کند.

۷-۱. جنسیت و سن

گزارش ها نشان می دهد که حداقل ۱۵ زن از فروردین ماه تا نیمه ی مهر ۱۴۰۳، اعدام شده اند. بخش عمده ی این زنان در پرونده های مربوط به قاچاق مواد مخدر و قتل اعدام شده اند. این در حالی است که در سال ۱۴۰۲، از اول فروردین تا پایان شهریور، دستکم ۱۰ زن اعدام شدند (سازمان حقوق بشر ایران : ۲۰۲۳). بررسی پرونده ها نشان می دهد که از میان این ۱۵ زن اعدام شده، ۹ نفر در

نمودار درصدی تعداد زنان اعدام شده در بازه زمانی مورد مطالعه

تا نیمه ی مهر شهریور مرداد تیر خرداد اردیبهشت فروردین



پرونده های مربوط به قتل، قصاص شده اند. بیشتر آنان مبادرت به قتل همسر خود نموده اند. بقیه قربانیان زن در پرونده های مربوط به مواد مخدر به دار آویخته شده اند.

بررسی هویت اعدام شدگان در این بازه ی زمانی نشان می دهد که میانگین سنی اعدام شدگان بین ۱۹ تا ۶۰ سال بوده است. این در حالی است که سن بخش قابل توجهی از قربانیان گزارش نشده است، اما بررسی ها نشان می دهد که بیشتر قربانیان اعدام در ایران در گروه سنی بین ۳۰ تا ۴۰ سال قرار دارند.

۷-۲. اعدام کودک-مجرمان

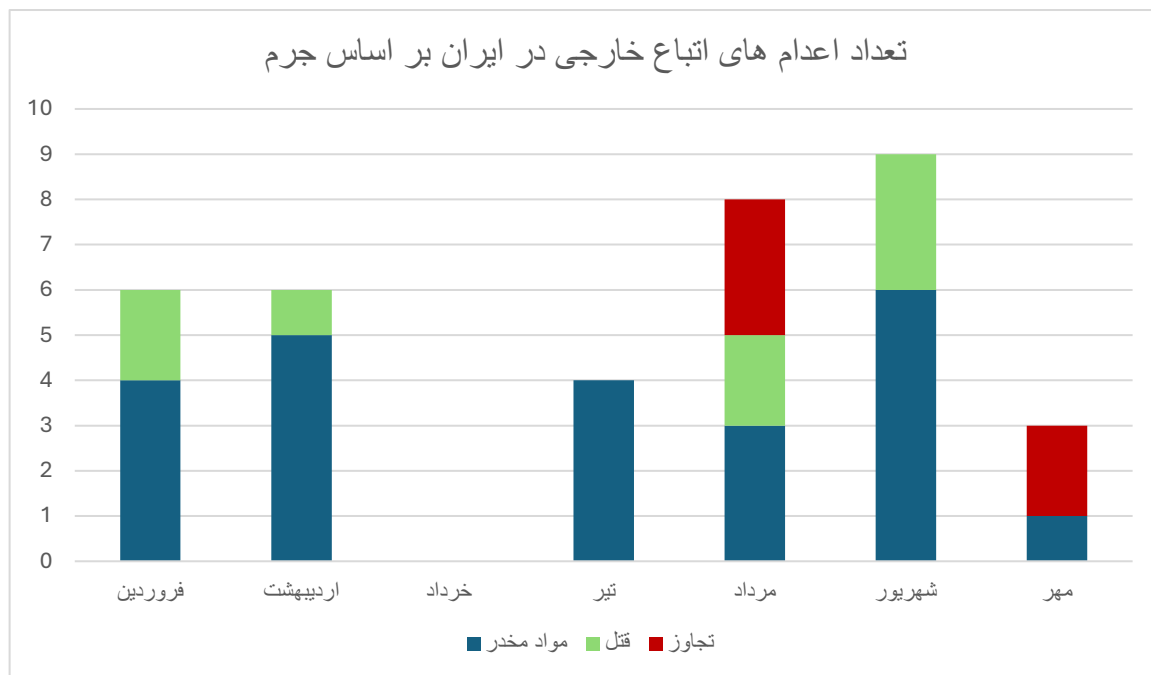
از میان قربانیان اعدام در این بازه زمانی، سه نفر کودک-مجرم بوده اند. **مرجان حاجی زاده** که در سن ۱۶ سالگی به اتهام جرایم مرتبط با مواد مخدر دستگیر شد، در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۴۰۳ در زندان زنجان در حالی که ۱۹ سال سن داشت، به دار آویخته شد. **رامین سعادت زمانی** نیز در سن ۱۷ سالگی به اتهام قتل فردی در یک نزاع خیابانی دستگیر شد. با وجود تأکید مکرر او بر بی گناهی اش، در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳، در سن ۲۲ سالگی در زندان میاندوآب اعدام شد. همچنین **مهدی جهانپور** که در سن ۱۶ سالگی به اتهام قتل محکوم شد، در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۴۰۳ در زندان عادل آباد شیراز اعدام شد.

بر اساس کنوانسیون حقوق کودک، اعدام افرادی که در زمان ارتکاب جرم زیر ۱۸ سال سن داشته اند، ممنوع است. با این حال، ایران یکی از کشورهایی است که همچنان به اجرای این احکام ادامه می دهد. جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۲ این کنوانسیون را با حق تحفظ، مبنی بر عدم مغایرت با احکام شرع و قوانین داخلی امضا کرد، و به همین دلیل خود را ملزم به اجرای بخش هایی از این پیمان نامه، از جمله ممنوعیت اعدام کودک-مجرمان، نمی داند.

این عمل واکنش های گسترده ای از سوی نهادهای بین المللی به همراه داشته و بارها توسط سازمان های حقوق بشری مانند عفو بین الملل و سازمان ملل محکوم شده است. گزارش های متعدد نشان می دهند که کودکان در ایران بدون دسترسی به محاکمه عادلانه و در شرایط نامناسب زندان، به اعدام محکوم می شوند.

۷-۳. اعدام اتباع خارجی

یکی از ابعاد کمتر مورد توجه، اما مهم در بررسی اعدام ها در ایران، اعدام اتباع خارجی است. بسیاری از این افراد به اتهاماتی مانند قاچاق مواد مخدر، قتل، و جرایم مرتبط با امنیت ملی محکوم شده اند. اغلب اتباع خارجی که در ایران اعدام می شوند، از کشورهای همسایه و مهاجران کاری هستند که به دلیل فقر و شرایط سخت زندگی، به جرایم مختلف کشیده شده اند.



براساس گزارشات داده شده دستکم ۳۶ نفر از اتباع خارجی در ایران در طی بازه ی زمانی مورد گزارش ، اعدام شده اند. این در حالی است که سازمان هایی مانند عفو بین الملل و سازمان ملل بارها به این موضوع اشاره کرده اند که بسیاری از اتباع خارجی که در ایران اعدام می شوند، به وکیل یا مترجم دسترسی ندارند و در موارد بسیاری از روند محاکمه ای ناعادلانه رنج می برند. به علاوه، اتباع خارجی اغلب در شرایط بسیار نامناسب در زندانها به سر می برند و بسیاری از آنها تحت فشار شدید روحی و روانی قرار می گیرند. علاوه بر این، گزارش های متعددی مبنی بر شکنجه یا رفتارهای غیر انسانی و تحقیرآمیز در جریان بازداشت و زندان منتشر شده است. از سوی دیگر به نظر می رسد که جمهوری اسلامی از اعدام اتباع خارجی به عنوان ابزاری برای نشان دادن قاطعیت در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و مقابله با تهدیدات امنیتی استفاده می کند. این اعدام ها به ویژه در مناطق مرزی که قاچاق مواد مخدر رواج دارد، بیشتر دیده می شود. سازمان ملل و نهادهای مرتبط با حقوق بشر، مانند شورای حقوق بشر سازمان ملل و گزارشگران ویژه حقوق بشر، بارها از ایران خواسته اند تا اعدام اتباع خارجی را متوقف کند و آنها را به رعایت اصول حقوق بشر و فراهم کردن محاکمه عادلانه ملزم کرده اند. گزارشگران سازمان ملل همچنین تأکید کرده اند که ایران باید به تعهدات بین المللی خود، به ویژه در ارتباط با حقوق مهاجران و پناهندگان، پایبند باشد.

۷-۴. وضعیت اجتماعی و خانوادگی قربانیان اعدام

اعدام ها در ایران نه تنها زندگی افرادی که محکوم به مرگ می شوند را به پایان می رساند، بلکه تأثیرات عمیق و مخربی بر خانواده های آنها و وضعیت اجتماعی و روانی این افراد بر جای می گذارد. بسیاری از این افراد متأهل بوده و فرزندان دارند که پس از اجرای حکم، با دنیایی از ناامیدی و فقدان مواجه می شوند. فرزندان و همسران قربانیان، که ناگهان عزیزان خود را از دست می دهند، در معرض آسیب های روانی شدیدی مانند افسردگی، اضطراب و تنهایی قرار می گیرند. این وضعیت به ویژه برای کودکان قربانیان، که اغلب در سنین حساس هستند، تأثیرات مخربی بر رشد و توسعه روانی آنها دارد.

متأسفانه، به دلیل عدم شفافیت و محدودیت‌های اطلاعاتی، اطلاعات اندکی درباره وضعیت تأهل، تعداد فرزندان و شرایط آن‌ها پس از اعدام در دسترس است. بر اساس اطلاعات موجود، دست‌کم ۱۴۰ فرزند یکی از والدین خود را در بازه زمانی گزارش به دلیل اجرای احکام اعدام از دست داده‌اند. با این حال، این تعداد می‌تواند بسیار بیشتر باشد، زیرا بسیاری از موارد به دلیل نبود اطلاعات کافی مستند نشده‌اند. تعداد فرزندان قربانیان اعدام بین یک تا هشت فرزند گزارش شده است؛ این در حالی است که از جنسیت فرزندان و سن آنان اطلاعات بسیار اندکی منتشر شده است.

بسیاری از این خانواده‌ها، به دلایلی مانند فقر شدید، دوری مسافت، و عدم اطلاع به‌موقع از زمان اجرای حکم، موفق به آخرین دیدار با عزیزان خود نشده‌اند. این ناتوانی در دیدار آخر، به عنوان یک خشونت روانی عمیق علیه خانواده‌ها عمل می‌کند و رنج و درد آن‌ها را دوچندان می‌کند. این محرومیت از دیدار نهایی، تأثیرات مخربی بر روح و روان اعضای خانواده دارد و آن‌ها را با احساس بی‌عدالتی و رهاشدگی مواجه می‌کند. افزون بر این، مشکلات اقتصادی که خانواده‌های قربانیان پس از اعدام با آن مواجه می‌شوند، اغلب به انزوای اجتماعی و فقر بیشتر منجر می‌گردد و این خانواده‌ها را به حاشیه جامعه سوق می‌دهد.

۸. نتیجه گیری

بررسی وضعیت اعدام‌ها در ایران از اول فروردین تا ۱۵ مهر ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که اعدام همچنان به عنوان یکی از ابزارهای اصلی حکومت جمهوری اسلامی برای سرکوب مخالفان سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که بخش عمده‌ای از این اعدام‌ها به جرایم مرتبط با مواد مخدر و قتل نسبت داده شده‌اند، استفاده از مفاهیمی مانند "محاربه" یا "فساد فی الارض" که می‌تواند شامل جرایم جنایی مانند سرقت مسلحانه یا قاچاق مواد مخدر شود، به حکومت ایران اجازه می‌دهد تا این افراد را تحت چنین اتهاماتی به مرگ محکوم و اعدام نماید.

این گزارش نشان می‌دهد که بسیاری از احکام اعدام، به‌ویژه در پرونده‌های سیاسی و جرایم امنیتی، فاقد شفافیت و محاکمه عادلانه بوده و نهادهای بین‌المللی مانند عفو بین‌الملل بارها این روند را محکوم کرده‌اند.

اعدام کودکان و اتباع خارجی نیز از جمله مواردی هستند که با نقض آشکار قوانین بین‌المللی همراه است و نشان از بی‌توجهی ایران به تعهدات حقوق بشری خود دارد. این گزارش همچنین به تأثیرات روانی و اجتماعی اعدام‌ها بر خانواده‌ها، به‌ویژه فرزندان قربانیان اشاره کرده و بر نیاز به اصلاحات عمیق در نظام قضایی ایران تأکید می‌کند.

در نهایت، این گزارش از جامعه جهانی و سازمان‌های حقوق بشری درخواست می‌کند تا به حمایت از جنبش‌های ضد اعدام در ایران بپردازند و با اعمال فشار بر حکومت ایران، تلاش کنند تا استفاده از این مجازات غیرانسانی متوقف شود. تداوم استفاده از اعدام به عنوان ابزاری برای کنترل و سرکوب، نه تنها حقوق بشر را در ایران نقض می‌کند، بلکه تأثیرات مخربی بر جامعه و نسل‌های آینده خواهد گذاشت.